

دهکده پارسیان در چین

گواهی تاریخی بر روابط دوستانه مردم چین و ایران

یه سیون ون

استاد و عضو هیئت علمی بخش آموزش زبان فارسی رادیو و تلویزیون پکن

شهر «یانگ جو» در آژمند قدیم یک شهر مشهور تجاری بین‌المللی در چین بود. شمار پارسیانی که از راه دریا یا جاده ابریشم به این منطقه می‌آمدند بسیار زیاد بود. در شرق «یانگ جو» دهکده‌ای به نام «بوسی جوان» به معنای دهکده پارسیان وجود دارد که سابقه آن حداقل به ششصد سال قبل باز می‌گردد. رودخانه «بو سی» (پارسی) نیز از مرکز این دهکده عبور می‌کند. اکنون در مسیر ورودی دهکده لوحه‌ای قرار دارد که بر روی آن به زبان چینی «بوسی جوان» و «دهکده پارسیان» به زبان فارسی حک شده است. در سال ۱۹۹۴ میلادی دولت محلی بنا به خواست مردم کوشک یادبودی به سبک ایرانی بنا کرد که از راهرو، چاه، لوحه، استخر و گلدان تشکیل می‌شود. بر روی لوحه‌ای که در کوشک یادبود قرار دارد تاریخچه دهکده پارسیان حکاکی شده است که ترجمه متن آن از این قرار است:



دهکده پارسیان

دهکده پارسیان در گذشته‌های دور «جوشوگاه» نام داشت. از دوران دودمان «تانگ» بازرگانان ایرانی به اینجا رفت و آمد داشته‌اند و مردم به آنها احترام می‌گذاشتند و با مردم اینجا در صلح و آرامش به سر می‌بردند. سالی سیلاب‌خیز، که راهزنان فراوان شده بودند، بازرگانی پارسی (ایرانی) مردم را در راندن راهزنان رهبری کرد و جان و مال مردم را نجات داد، اما در این راه جان خود را فدا کرد. دشمن پیکر قهرمان را به رودخانه افکند و رود پیکر خونین قهرمان را به کام خود کشید. آب خون‌آلود نشانه فداکاری و دلیری قهرمان گشت. مردم پیکر او را در کنار دهکده به خاک سپردند و «جوشوگاه» را «دهکده پارسیان» نام نهادند.

از آن زمان، به یاد این قهرمان بزرگ هر سال مراسم «پرسه» برگزار نمودند و سرگذشت وی در میان مردم زبانزد شد و دولت به خواست مردم و برای گرامیداشت و یادبود این قهرمان لوحه‌ای تنظیم کرد.

اداره آثار باستانی شهر «جیانگ دو»

سال هزار و نهصد و نود و چهار میلادی

سالهای سال گذشته است و گرد تاریخ بر دهکده باستانی پارسیان نشسته است. اکنون تشخیص زمان دقیق نامگذاری دهکده کمی سخت است. مدارک و آثار مادی باقی‌مانده پارسیان هنوز کشف نشده است. با این وجود، پدیده‌های فرهنگی و داستانهای مربوط به آن قهرمان شهید پارسی همچنان زبانزد است. بسیاری از سالمندان مراسم یادبود قهرمان شهید پارسی را به یاد دارند. من مدت کوتاهی در دهکده پارسیان اقامت کردم و اطلاعات و مدارکی درباره این موضوع جمع‌آوری کردم و کار تحقیقاتی انجام دادم که در این مقاله از آن مستحضر می‌شوید.

شاهد زمان تقریبی تغییر نام «جوشوگاه» به دهکده پارسیان

الف- داستانی درباره فداکاری قهرمان شهید پارسی سالهای مدیدی است که بین مردم زبانزد است ولی زمان دقیق آن مشخص نیست. در نسبنامه فامیل «وانگ» به‌طور مشخص نوشته شده است که وابستگان این خانواده در اواخر دوران سلسله «یوان» و اوایل سلسله «مینگ» از شهر «سو



جو» به «دهکده پارسیان» نقل مکان کردند. در تاریخ چین این دوران به حدود سال ۱۳۶۸ میلادی برمی‌گردد. در واقع، با تحقیقات و بررسیها می‌توان استنباط کرد که زمان تغییر نام «جوشوگاه» به «دهکده پارسیان» حداقل پیش از سال ۱۳۶۸ میلادی یعنی حدود ششصد سال پیش بوده است. شگفت‌آور است که با گذشت صدها سال نام این دهکده هیچ تغییری نکرده و اکنون نیز در این دهکده لوحه‌هایی مانند «رستوران بوسی»، «اقامتگاه بوسی»، «آرایشگاه بوسی» و «درمانگاه بوسی» دیده می‌شود.

ب- کلمه «بوسی» در زبان چینی جر کشور باستانی پارسی یعنی ایران امروزه معنای دیگری ندارد. به غیر از نام دهکده به منظور یادبود قهرمان شهید رودخانه‌ای که پیکر قهرمان را به کام خود گرفته، رودخانه «بوسی» نامیده می‌شود و جایی واقع در سه راه نهر که پیکر وی از مسیر رودخانه به آنجا آمده «تان گئو» یعنی «بستر نهر» نامیده می‌شود. این اسامی از دیرباز مورد استفاده بوده است. این دهکده در محل اتصال رود «یان تسه» (که یکی از رودخانه‌های بزرگ چین بوده) و کانال بزرگ چین (که از پکن در شمال به شهر «هان جو» به جنوب چین امتداد دارد) واقع بوده، و تسهیلاتی در امر رفت و آمد و داد و ستد در آنجا رونق داشته است. به نظر من، با توجه به این شرایط محلی و جغرافیایی آمدن این بازرگان پارسی به این دهکده امکان داشته است.

ارتباط مراسم ویژه یادبود با زرتشتیان

گفته می‌شود که بعد از شهید شدن قهرمان پارسی اعضای خانواده‌اش از شهر دیگری به این منطقه آمدند و طبق رسوم خود مراسم یادبود را برگزار کردند. از آنجا که مردم آن محل بزرگداشت این قهرمان را سبب حفظ آرامش می‌دانستند، از این مراسم نیز استقبال کردند و با حفظ این مراسم باعث شدند که حتی پس از گذشت صدها سال تا سالهای پنجاه قرن بیستم، این مراسم در این منطقه برگزار شود. مردم مراسم را «بوسی لونگ شیان جی» یعنی مراسم یادبود ژنرال پارسی نامگذاری کردند. سالخورده‌گانی که در این مراسم شرکت داشتند چنین می‌گویند: «قبل از همه دو مجسمه چوبی که با لاک و طلا تزئین شده بود، در تالار قرار گرفت. یکی از مجسمه‌ها سمبل درستکاری و نیکی و دیگری سمبل بدی و ستم و زشت بود. قبل از شروع



مراسم درها و پنجره‌های تالار باز بود. شمار شرکت‌کنندگان مراسم به شانزده تا بیست نفر می‌رسید. تمام فعالیتها طبق دستور رئیس مراسم و راهنمای برنامه انجام می‌شد. برنامه با استقبال از نیاکان شروع می‌شد؛ بعد طبق دستور رئیس مراسم برگزار می‌شد. گروهی از افراد با لباس مشکی و سینی در دست جلوی مجسمه‌ها با حرکات معین نمایش می‌دادند.

همزمان گروه موسیقی در دو طرف تالار سازهای خود را می‌نواختند و طبل و سنج می‌زدند. همه فعالیتها با همراهی موسیقی برگزار می‌شد و بعد از مشایعت روح نیاکان مراسم به پایان می‌رسید. اکنون بعد از گذشت صدها سال این مراسم کمی رنگ چینی گرفته است ولی موضوع اصلی آن مانند احترام به خدای نیکی، روشن کردن شمع، پیشواز خدایان و نیاکان و مشایعت آنان و غیره دست‌نخورده باقی مانده است. این مراسم کاملاً با پرسه زرتشتیان ارتباط دارد. در حین تحقیقات و بررسیها مشخص شد که لقب روحانیان زرتشتیان (دستوری دستوران)^۱، (دستور)^۲، (ارواد)^۳ یا (هربد)^۴ است. در مراسم «بوسی لونگ شیاجی» مسئولان برگزاری مراسم به چینی «تون» و «این» نامیده شدند. اصولاً «تون» و «این» در هیچ مراسم چینی به کار نمی‌روند. به نظر من، این تلفظ هم از تلفظ کلمات فارسی «دستور» و «ارواد» گرفته شده که به چینی هم معنا می‌دهد و از این رو کلمات «تون» و «این» انتخاب شده است.

رابطه فامیل «نای» با بازرگان پارسی

مردم محلی آگاهی داشتند که خانواده «نای» در دهکده با بازرگان شهید پارسی در ارتباط بودند. حتی امروز نیز آنان از سخن گفتن درباره داستانهای مربوط به این خانواده لذت می‌برند. اعضای خانواده «نای» که در دهکده پارسیان زندگی می‌کردند نیز خاطراتی درباره نیاکان خود دارند. در این دهکده پیرمردی به نام «نای یوتسای» را «پیرمرد پارسی» می‌نامیدند که اندامی درشت با بینی کشیده و ریشی انبوه داشت و در دوران سالمندی از اینکه نیاکان او پارسی بوده‌اند سخن گفت. فامیل «نای» در دهکده پارسیان و در دوران سلسله مینگ معروف بوده و املاک روستایی آنها با شکوه تمام در یادداشتها ثبت شده است؛ البته این مورد شاهد کتبی ندارد. با این حال، در منزل پیرمرد «نای یوتسای» نسبنامه فامیل «نای» را خواندم و قسمتی از آن توجه من را به خود جلب



کرد: «سرچشمه تاریخی این خاندان به سلسله تانگ برمی‌گردد. اعضای این خاندان از مأموران عالی‌رتبه بودند. پسر دوم از فرزندان نسل چهل و پنجم به نام «پو» از شهر «نان تون جو» به اینجا آمده و داماد سرخانه فامیل «گو» بود. نسبنامه دهکده پارسیان از پسر دوم فرزندان نسل چهل و پنجم شروع شده و ادامه یافته است و پیرمردی که به نام وی اشاره شد از نسل شصت و دوم خاندان بود.

در بررسی این نسبنامه و مقایسه با داستانهای محلی، این سؤال پیش می‌آید که چرا ازدواج دختر فامیل «گو» با پسر دوم که از «نا تون جو» به اینجا آمده بود در هیچ یادداشتی و حتی در نسبنامه نیز مشخص نشده است؟ شاید بتوان دلایل آن را این‌طور ذکر کرد:

الف- در جامعه فئودالی چین ازدواج یک دختر با فردی خارجی پدیده‌ای ننگین به‌شمار می‌آمد. بعد از شهید شدن بازرگان پارسی، فرزندانش برای اقامت دائمی نام خود را ثبت می‌کردند تا نام خانوادگی داشته باشند. برای اثبات رسمی شایستگی دختر از فامیل «گو» در نسبنامه فامیل «نای» نوشته شده است که پسر دوم به نام «پو» داماد سرخانه فامیل «گو» بود. این جمله هم برای دختر فامیل «گو»، هم برای فرزندانش بسیار مناسب بود؛ زیرا در چین اگر کسی داماد سرخانه باشد نه فقط در منزل عروس زندگی می‌کند، بلکه فرزندانش نیز نام خانواده زن را می‌گیرند. ولی فرزندان این بازرگان نام فامیل «گو» را نگرفتند، بلکه فامیل «نای» را انتخاب کردند. لذا این نشان می‌دهد که در آن موقع، وی داماد رسمی سرخانه فامیل «گو» نبوده و جمله در نسبنامه نیز تنها برای نشان دادن شایستگی وی بوده است.

ب- کلمه «نای» در زبان چینی دو معنا دارد و یکی از آنها به معنای «دوم» است، مثلاً پسر دوم، دیگر نام یک فامیل در چین. در نسبنامه نوشته شده است که پسر دوم به نام «پو» است. کلمه «پو» به زبان چینی یشم سبز معنی می‌دهد. تلفظ اسم و فامیلش به لهجه محلی به معنی «پسر دوم یشم طبیعی» خلاصه شده و به تلفظ فارسی آن هم شباهت دارد.

از لحاظ ساختار کلمات چینی، این کلمه یعنی «نای» از دو قسمت تشکیل شده است. طرف چپ به معنای آدم و طرف راست آن با کلمه «گو» یکی است. همچنین می‌توان گفت که از



میوند «یک نفر» با فامیل «گو» یک فامیل جدید یعنی فامیل «نای» به وجود آمده است؛ البته نظریات مزبور استنباطی است و به نظر می‌آید مناسب‌ترین کلماتی که هم از لحاظ چینی و هم از لحاظ فارسی معنا می‌دهد انتخاب شده است.

به‌طور کلی، در قرون متمادی روابط بازرگانی وسیعی بخصوص از طریق جاده معروف ابریشم و از راه دریای خلیج فارس تا بنادر چین، میان چین و ایران وجود داشته است. در سلسله «تانگ» چین، شمار پارسیان در چین بسیار بوده است. طبق یادداشتهای تاریخی در «چانگ آن» (شهر شی آن امروزه) پایتخت سلسله «تانگ» آتشکده‌هایی تأسیس شده بود و در آنجا صدای موسیقی به گوش می‌رسید. دین زرتشتی دین رسمی ساسانیان بود. بعد از اینکه اعراب ایران را اشغال کردند بسیاری از پارسیانی که به چین آمده بودند، در آنجا اقامت کردند و از ماموران عالی‌رتبه چین شدند. بیشتر این زرتشتیان و مهاجران ایرانی یا ایرانی‌تبار اعتقادات و رسوم خود را حفظ کردند. سال ۱۹۵۵ میلادی در حومه غربی شهر «شی آن» کتیبه مقبره ماسیس، زنی از خاندان سوران کشف شد. متن این کتیبه به دو خط یعنی خط پهلوی و خط چینی حکاکی شده است. متن کتیبه درباره ماموریت سوران و زمان درگذشت ماسیس همسرش است. روی این کتیبه هم متن نماز در برابر اهورامزدا و تاریخ زرتشتی دیده می‌شود. موضوع این کتیبه نشان می‌دهد که سوران و همسرش از نسل ایرانیان بودند که از دوران ساسانیان به چین آمده و پیروان مؤمن زرتشتی بودند. از انقراض ساسانیان تا فوت ماسیس دویست سال فاصله است. در ایران پس از ورود اسلام تعداد پیروان زرتشتی بسیار پایین آمد ولی در چین همچنان پیروان زرتشتی مانند این زن و همسرش پیدا می‌شدند. دهکده پارسیان و مراسم «پرسه» آن، که تا سالهای پنجاه قرن بیستم نیز باقی مانده بود، از یک طرف دوستی بین مردم دو کشور چین و ایران را نشان می‌دهد و از طرف دیگر، پدیده‌ای فرهنگی مربوط با دین زرتشتی به حساب می‌آید.

پی‌نوشت‌ها

1. dastur-i-dasturan
2. dastur
3. ervad
4. herbad



